



این شماره

## استاد رفیع حالتی

سعید محبی

استاد «رفیع حالتی» از استادان بی‌مانند تئاتر کشورمان در سال ۱۲۷۵ هـ. ش. در تهران بدنیا آمد. وی در یادداشتی که درباره زندگی خود به رشته تحریر در آورده است، می‌نویسد:

«پس از جنگ اول جهانی (۱۹۱۴ الی ۱۹۱۸ م.) مقدمات تحصیل من در یک مدرسه خارجی نام «سن لویی» که مجاور کلیسای کاتولیک در خیابان لاله‌زار بود فراهم و همانجا به اتمام رسید. کمی استعداد نقاشی داشتم؛ پدرم با مرحوم «کمال‌الملک» دوست و هم‌درس دوران تحصیلی بودند. یک روز بهاری مرا به مدرسه برد و به استاد سپرد. در دوران تحصیل نقاشی، من با جمعی از جوانان با استعداد که به دلخواه خود در این هنرستان گردآمده بودند؛ دوست شدم. روزها پس از آنکه از کار طراحی یا سیاه قلم و رنگ و روغن فراغت حاصل می‌شد، در حیاط مدرسه جمع می‌شدیم و بساط نمایش به راه می‌انداختیم؛ همان نمایش‌هایی که در مجالس عروسی دیده بودیم را بازی می‌کردیم.

مدت کوتاهی گذشت و دو ماه محرم و صفر رسید. جمع این گروه به تکایا برای دیدن تزیه می‌رفتم و اغلب شب‌ها با اجازه والدین به سیداسماعیل که محل تزیه‌داری شبانه بود رفته و با زحمت خود را به آنجا رسانیده و پس از کمک فراوان از فراموشی‌های شاهی وارد محوطه آمازاده شده و از نمایش‌های ترازوی دیدن می‌کردیم. هر کدام کاغذ و مدادی بدست گرفته و قسمتی از اشعار خوانندگان تزیه را یادداشت می‌کردیم.

روزها و شب‌ها گذشت تا توانستیم نسخه‌ای چند از این مجالس تهیه کنیم. بعد از این تاریخ، جمع خود را به نام «اخوان» نامیده و شروع به تزیه خواندن و نمایش دادن در منزل یکدیگر کردیم. سرپرست این جمعیت مرحوم «آقا محمود ظهیرالدینی» بود که یکی از جوانهای با استعداد هنرستان نقاشی بود. چون او

صدایی رسا داشت اغلب نقش حضرت عباس (ع) یا حر بن یزید ریاسی را ایفا می‌کرد و من چون صدای نازکی داشتم نقش زینب (س) یا کلثوم را ایفا می‌کردم...

پس از فرار «محمدعلی شاه قاجار» و افتتاح مجلس شورای ملی چندین گاردن پارتی بنفع شهدای مشروطه و حریق شهر آمل داده شد که در محل پارک امین‌الدوله بود. در این مجالس و میهمانی‌ها نمایش‌هایی اجرا می‌شد که برای اولین بار بر روی سن و صحنه و با باز و بسته شدن پرده همراه بود. می‌توان به جرأت گفت که شالوده و اساس تئاتر به صورت سن و سالن و سبک غربی در این زمان ریخته شد آنهم به دست جمعی از جوانان تحصیل کرده که پیشقدم تئاتر نو شدند. (۱)

سال‌های آغازین فعالیت تئاتری مرحوم حالتی مصادف با جنگ خانمان سوز اول بود. وی زمانی دست به کار تئاتر شد که کشور یکی از سخت‌ترین برهه‌های خود را می‌گذراند. استاد «علی اصغر

گرسبیری» از یاران و دوستان صمیمی حالتی درباره این سال‌ها می‌گوید:

«هنوز از نوله‌های توپ و تفنگ جنگ آوران جنگ جهانی اول دود بر می‌خاست که حالتی در مدرسه عالی صنایع مستظرفه که به همت استاد بی‌همتای هنرهای زیبای ایران «محمد غفاری» (کمال‌الملک) بوجود آمده بود، نام نوشت و آغاز به تحصیل کرد. در این دارالصنایع پُر ارزش انواع نقاشی - از کلاسیک تا مدرن -، طراحی سیاه قلم، رنگ و روغن، آبرنگ، مجسمه‌سازی، قالی‌بافی، موزائیک‌سازی تصویری و ... به شاگردان تعلیم داده می‌شد.

حالتی با چند تن از شاگردان مدرسه مثل محمود ظهیرالدینی، نعمت‌الله مصیری، محمد حسین صدیری، مهدی مقبل و میرعمادی فعالیت تئاتری خود را آغاز کرد. این گروه به جهت نوعی تمایز و هم‌سلیقگی خاص، خرج خود را از سایر شاگردان کارکنه کمال‌الملک مانند آشتیانی، حیدری، وزیر، شیخ، مصیری‌ها، رخساز، امینی، اقدسیه، شهبازی، محمودی و ... که بعدها هر کدام در رشته‌های انتخابی خود تا مرحله استادی و کمال پیش رفتند، جدا کردند.

در صحن مصفاى هنرکده کمال‌الملک آلاچین باصفایی وجود داشت که شاگردان مدرسه، در مواقع تنفس روی نیمکت‌های چوبی آن جمع می‌شدند و از هر دزی سخن می‌گفتند. به تدریج و به ابتکار آقا محمود ظهیرالدینی ابتدا به صورت تفتن (به تقلید تعزیه‌خوان‌های آن زمان ادای شیخ حسن شمر، حاج بارک ... و دیگران را در می‌آوردند) و بعد بصورت جدی از جنبه تفریحی آن کاست و به اجرای صحنه‌هایی از تعزیه پرداختند و به اندازه‌ای در این کار پیش رفتند که دیگر محیط آلاچین مدرسه برای هنر نمایش آنها تنگ جلوه کرد.

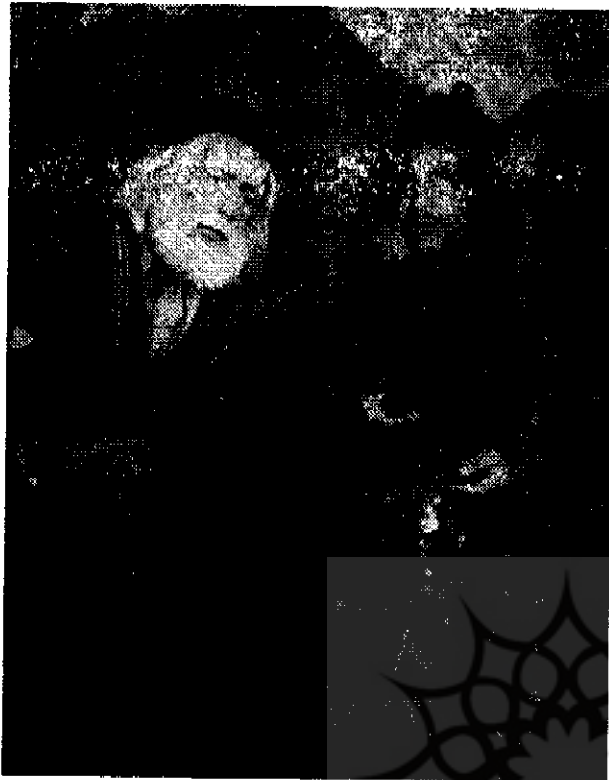
در ادامه، گروه درصدد برآمد در خانه‌هایی که تخت‌حوض یا ایوان وسیعی دارد، بساط تعزیه‌خوانی بگسترانند و چندی نگذشت که از تعزیه به تئاتر روی آوردند. این گروه هر چند وقت یکبار، نمایشی را به روی صحنه یکی از ایوان‌های وسیع که برده نمایش آن را چند شمد بهم دوخته و یا یک برده فلنکار تشکیل می‌داد، اجرا می‌کردند و اقوام، دوستان و همسایگان از لب‌بام خانه تا کف حیاط به تماشا می‌نشستند. در این اجراها نه تنها بلیطی به تماشاگران نمی‌فروختند بلکه بشقابی از نقل زنجبیلی و خرما بین تماشاگران بخش می‌شد. این جوانان مشتاق نمی‌دانستند که با این عمل به ظاهر کوچک و ابتدایی قلم به دست گرفته و مقدمه کتاب تاریخ تئاتر ایران را می‌نوشند.»

مرحوم حالتی تئاتر را تقدیس شده می‌دانست و صحنه نمایش برای او مقدس‌ترین مکان دنیا محسوب می‌شد. استاد «اسماعیل شنگله» در این باره می‌گوید:

«من باکار مرحوم حالتی قبل از ۱۳۳۲ آشنا شدم. در کلاس‌های تئاتر جامعه هنری بارید، مرحوم حالتی به ما بازیگری تدریس می‌کرد. تمام چیزهایی که از وی آموختم در یک جمله خلاصه می‌شود: تئاتر مسجد یا کلیسا نیست اما دست کمی هم از آنها ندارد. همانطور که افراد به کلیسا و مسجد احترام می‌گذارند باید به تئاتر هم احترام گذاشت. وی سعی داشت به شاگردانش بفهماند تئاتر فعالیت مقدسی است.»

بدین ترتیب مرحوم حالتی همراه دوستان خود اولین گام‌های ایجاد یک تئاتر علمی را در کشور برداشتند و مشتاقانه در پی فرصتی بودند که بتوانند وارد صحنه تئاتر کشور شوند. این فرصت تنها در جریان کودتای ۱۲۹۹ بوجود آمد. مرحوم حالتی در این باره می‌نویسد:

«در کودتای ۱۲۹۹ «میرزاده عشقی» شاعر شهیر به تهران آمده و دو نمایشنامه یکی تاریخی و دیگری کمدی به نام‌های «دستاخیز ایراز» و



«بچه‌گدا» نوشت و برای اجرای آنها گروه کمدی ایران را انتخاب کرد. لازم به یادآوری است که پس از بالاخانه فاروس، مرکز نمایش‌های ایران در گراند هتل بود. در این زمان محقق الدوله مرحوم شد و آقای «سیدعلی نصر» ریاست این جمعیت را بعهده گرفت. برای ساختن دکور «دستاخیز ایران» لازم بود خواهی‌های مدانی و تخت‌حمشید را سازند. برای ساخت این کار به مدرسه کمال‌الملک رجوع شد. استاد (کمال‌الملک) ساخت این دکور را به من، آقا محمود ظهیرالدینی و نعمت‌الله مصیری که هر سه از شاگردان آن هنرستان بودیم واگذار کرد. روزیکه آقایان نصر و عشقی برای تحویل گرفتن دکور به هنرستان آمدند، استاد گفت: این دو شاگرد من علاقه زیادی به تئاتر دارند و هر روز در اینجا و توی حیاط بازیش را در می‌آورند. (منظور استاد من و آقا محمود بودیم). آقای نصر هم ما را برای همکاری با گروه کمدی ایران دعوت کرد...»<sup>(۱)</sup>

به این ترتیب استاد حالتی وارد عالم پر رمز و راز تئاتر می‌شود. در سال ۱۳۰۳ ه. ش. آقا محمود ظهیرالدینی گروه کمدی اخوان را تأسیس می‌کند و حالتی به این گروه می‌پیوندد. این گروه چندان نمی‌باید زیرا ظهیرالدینی فوت می‌کند و اعضای آن هر کدام به سویی می‌روند. در سال ۱۳۰۵ ه. ش. «اسماعیل مهرتاش» جامعه هنری بارید را تأسیس می‌کند و از هنرمندان تئاتر آن زمان از جمله حالتی دعوت به همکاری می‌کند. مرحوم حالتی از اعضای فعال این

جمعیت می‌شود و سال‌ها در آنجا بازی و کارگردانی می‌کند. با تأسیس هنرستان هنرپیشگی در سال ۱۳۱۸، مرحوم حالتی در رشته‌های تاریخ، لباس، دکور و گریم مشغول تدریس می‌شود. هنگامی که تماشاخانه تهران گشایش می‌یابد، حالتی بعنوان مدیر فنی آن مشغول کار می‌شود و نمایشنامه‌های بسیاری کارگردانی و بازی می‌کند. وی در این تئاتر چندین دوره کلاس هنرپیشگی تشکیل داده و هنرمندان بسیاری را نیز تربیت کرده و به جامعه تحویل می‌دهد. مرحوم حالتی در بسیاری از شاخه‌های اصلی و فرعی تئاتر تبحر داشت. واقعاً سَرّ موفقیت او چه بود؟ استاد گرمسیری در این باره اعتقاد دارد:

«سَرّ موفقیت حالتی در تئاتر، بعثت برخورداریش از تعلیمات علمی مدرسه عالی کمال الملک بود. او آنچه از ریزه‌کاری و فنون آناتومی، پرسپکتیو و کمپوزیسیون و مسائل اینچینی فراگرفته بود در ارائه و به روی صحنه بردن نمایش بکار می‌برد، به‌طوری که نخب‌هایی را که در نمایش خلق می‌کرد، هیچکدام به‌همدیگر شباهت نداشت، یک وقت او را در نقش یک زن دلاله می‌دیدم که گویی این حالتی نیست که نقش آن زن را ایفا می‌کند بلکه کارگردان این زن را جفا از گود زبورک‌خانه به صحنه آورده است. هنرشناس ادیبی مانند «محمد حجازی» وقتی حالتی را در نقش پرهیت امیری شرقی و متعصب در نمایش «سایه حرم» دید، گفت: (من قبلاً در پاریس «هاری بور» را در همین نقش دیده بودم. باید جدا از تعصب بگویم که بازی استادانه حالتی هیچ دست کسی از آن هنرمند سرشناس دنیا ندارد).

سال ۱۳۳۰ هـ.ش. سالی است که مرحوم حالتی از کنار تئاتر کناره‌گیری می‌کند. علت این امر به گفته خود وی پیری، ناتوانی و خستگی از کار بیان شده است. وی نمایشنامه «خسب» اثر «مولیر» را برای آخرین بار و بعنوان خداحافظی در تماشاخانه تابستانی تهران به روی صحنه آورد.

کناره‌گیری حالتی همزمان با تغییراتی همراه است که از جهت کیفیت در تئاترهای لاله‌زار، بوجود می‌آید و او در خاطرات خود در جستجوی علل آن است و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که بعد از شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش. در اثر فعالیت چشمگیر «عبدالحسین نوشین» از یک سو و تئاترهای دیگر از سوی دیگر رقابتی میان این تئاترهای تهران بوجود آمد و موجب تحولاتی شد. حالتی در این باره می‌نویسد:

«به عقیده اینجانب این تحول باعث شد که تئاتر ایران گام‌های بلندی به سوی تکامل بردارد و نمایش‌های بسیار وزنی چه از جنبه هنری و چه فنی ارائه شده و هنرمندانی لاین روی صحنه تئاتر ظاهر شدند و اثر این رقابت و تحول تا کشته شدن «احمد دهقان» و فرار نوشین از زندان ادامه داشت...»

حالتی، تئاتر را مکتبی برای تربیت و تهذیب مردم می‌دانست و وقتی که مدیر فنی تئاتر تهران (نصر کنونی) بود، مدیری سخت‌گیر، جدی و سخت‌کوش بود. وی همانقدر که متواضع بود، تندخو و عصبانی هم بود و به انضباط رفتار هنرمندان اعتقاد راسخی داشت. اما چرا حالتی با اینهمه عشق و علاقه به تئاتر آن را کنار گذاشت؟ طبق گفته اساتید و شواهد موجود، بخاطر جو بسیار بد و رواج ابتدال در تئاتر آن زمان بود. استاد سنگله در این باره می‌گوید: «بعد از سال ۱۳۳۶ که تئاتر سعدی سوخت، تئاترهای دیگر افت کیفی پیدا کرد. تئاتر تهران که حالتی در آنجا کار می‌کرد، اولین تئاتری بود که مردم را به

نوعی وارفته کم ارزش نمایشی سوق می‌داد. برای همین تئاترهای متفکر دیگر کم‌کم سقوط کردند و همین امر باعث شد که حالتی از کار تئاتر کناره‌گیری کند». مرحوم حالتی که خود از اساتید مجسمه‌سازی بود در امر دکورسازی نیز تبحر ویژه‌ای داشت. وی علاوه بر فعالیت در عرصه تئاتر در سینما نیز فعالیت داشت. اولین فیلمی که حالتی در آن حضور داشت ساخته «جمشید شیبانی» بود. استاد سنگله به تجربه خود با مرحوم حالتی در یک فیلم اشاره می‌کند و می‌گوید:

«روزی از روزهای سال ۱۳۳۸ در اداره هنرهای دراماتیک با جوانی خارجی آشنا شدم که برای تز تحصیلی خود فیلمی را کار می‌کرد. حالتی و من برای بازی در این فیلم انتخاب شدیم. وی داستان «بن‌بست» اثر «صادق هدایت» را کار کرد. این افتخار بزرگی برای من بود که در فیلمی با مرحوم حالتی همبازی شوم. چون من در آن زمان به زبان خارجی مسلط نبودم، مرحوم حالتی دیلماج من بود. قرارداد ما برای ساخت این فیلم، ۲ هزار تومان برای مرحوم حالتی و هزار تومان برای من بود. جوان خارجی بعد از ساخت فیلم پول ما را که نداد، فیلم را هم با خود برد.»

در تمام طول تاریخ تئاتر، تنها یکبار سنندیکای هنرمندان تئاتر در کشورمان تشکیل شد که مدیریت آن بعهده مرحوم حالتی بود، وی خدمات شایانی به تئاتر این کشور کرد. وی در این سنندیکا از حقوق بر حق هنرمندان تئاتر دفاع می‌کرد. مرحوم حالتی شاگردان بسیاری تربیت کرد. استاد سنگله از شاگردان وی به ذکر خاطراتی در این باره برای شناخت بیشتر وی اکتفا می‌کند:

«سالی در جشنواره فیلم تهران، از یکی از اساتید پیشکوت تئاتر تجلیل بعمل آمد. مجری برنامه در مراسمی که به همین منظور در هتل استقلال امروز برپا بود، گفت: امروز می‌خواهیم از استادی تجلیل بعمل آوریم که بیش از نصف افرادی که در این سالن هستند از شاگردان وی محسوب می‌شوند بعد معلوم شد که این استاد مرحوم حالتی است.»

مرحوم حالتی نمایشنامه‌های بسیاری نوشته، اقتباس و یا ترجمه کرده است که معروفترین آنها عبارتند از:

در مقام نویسندگی:  
خاقان می‌رقصد، قائم‌مقام، لُبیک آب‌فروش، صحیح‌النسب و ولنگرد.  
ترجمه و اقتباس:

خان لال، لثیم، در باغ سبز، دکتر اقدس و شوهرش، عروسک پشت پرده، اشتباه لپی، اقتضاح، اصفهانی چلمن، پیر کفتار، تیر به قلب خورده، ششصد هزار ریال، عشاق پریشان، کوزه غسل و...  
در مقام کارگردانی:

خسر و شیرین، کشتن خلیفه المعصم، جان فدای وطن، در سایه حرم، ایمان، محمود آقا را وکیل کنید، بازرگ گوگول در صدمین سال تولد او، خسب، توراندخت و...

استاد حالتی مدت ۳۰ سال در صحنه تئاتر کشور فعالیت مستمر داشت. تمام زندگی مرحوم حالتی وقف تئاتر شد، تئاتری که مورد احترام و تقدس او بود.

یادش گرامی باد.

منابع:

۱- به یاد استاد رفیعی - جزو منتشر شده توسط سنندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر